

حسین گونیلی  
استاد جغرافیای اساسی

## مقام جغرافیا در میان علوم

جغرافیا آن رشته از دانش بشری است که در آن دربارهٔ مختصات و خصوصیات نقاط خاصی از سطح روی زمین که شناخته شده است گفتگو می‌کند. جغرافیا مربوط است به طرز تنظیم و ترکیب اموری که باعث تمایز و اختلاف منطقه‌ای از منطقهٔ دیگر می‌شود و همچنین مربوط است به ارتباطات و انتقالاتی که بین مناطق برقرار است.

سطح روی زمین از چهره‌های مختلف گوناگونی ساخته شده است که هر یک از آنها نتیجه‌ای است از عوارض و حوادثی که دائماً در جریان است. هر عارضه و حادثه‌ای نیز نتیجه‌ای است از تغییراتی که علماء بنام سلسلهٔ علت و معلول می‌خوانند مثلاً صورت سطح روی زمین و شکل اقیانوسها و آنها و اختلاف بین آب و هوای مناطق مختلف نتیجهٔ امور فیزیکی و شیمیائی است. همچنین امور و خصوصیات زیستی باعث پیدایش و انتشار نباتات و حیوانات در کرهٔ زمین شده است و البته امور و خصوصیات زیستی با امور و خواص فیزیکی و شیمیائی کاملاً مرتبط است. علاوه بر امور یاد شده عوامل دیگری بنام رویدادهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی وجود دارد که در نحوهٔ تسلط انسان بر طبیعت و استفاده از منابع طبیعی کرهٔ زمین بسیار مؤثر بوده و خواهد بود.

هالب واکس، موریس: طرح روان‌شناسی طبقات اجتماعی، ترجمه

علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

هوشیار، محمد باقر: اصول آموزش و پرورش، جلد اول: طرح

اصول، تهران، [ناشر معلوم نیست]، چاپ دوم، ۱۳۳۱.

سطح یا اعماق زمین شده است. علاوه بر اینکه باعث و انگیزه بسیاری از مطالعات علمی همانا سعی و کوشش برای بیان و تبیین خصوصیات جغرافیائی مناطق و نواحی و وجود اختلافات میان آنها بوده است می‌توان مهم جغرافیایا در کمک به علم و عمل انسان در زیر این سه عنوان خلاصه کرد:

۱- با مطالعه و بررسی در اوضاع و احوال هر منطقه معلوم می‌شود که اختلاف میان آنچه در علوم نظراً بیان شده است با آنچه واقعاً وجود دارد تا چه اندازه است.

۲- مطالعات جغرافیائی فرصت و موقعی است مناسب برای نقادی و ارزشیابی مفاهیم علوم.

۳- شناخت اوضاع و احوال مناطق انسان را در اتخاذ روش صحیح و مثمر برای بهبود وضع آن مناطق و یا استفاده بهتر از منابع طبیعی آن مناطق کمک شایانی می‌کند.

البته تذکار این نکته در اینجا لازم است که از طرف دیگر مطالعه و تحقیق در امور فیزیکی و شیمیائی و سعی در شناخت خصوصیات عوامل زیستی و امور انسانی و پیشرفتی که مآلاً برای بشر در زمینه سایر علوم و فنون حاصل شده است کمک بسیار مؤثری به گسترش و علمیت مطالعات جغرافیائی کرده است. همچنین باید گفت که بسیاری از اطلاعات جغرافیائی به وسیله کسانی فراهم شده است که عالم علم جغرافیا نبوده‌اند و برای مطالعه بهتر در زمینه تخصص خود به مطالعات جغرافیائی پرداخته‌اند مانند عالم اقتصادی که برای مطالعه و تحقیق در امور اقتصادی ناحیه‌ای ناگزیر می‌شود به پژوهش در اوضاع جغرافیائی آن ناحیه یا مثلاً کارخانه‌داری که برای نصب کارخانه در محلی ناچار به بررسی در اوضاع و احوال جغرافیائی آن منطقه از قبیل تهیه مواد اولیه

بنا بر این در اثر تمام این امور و عوامل سطح روی زمین به صورت مناطق متمایزی در آمده است که در علم جغرافیا با بررسی به علل و معلول‌های آنها سعی می‌شود که این اختلاف و یا تشابهی که بین مناطق وجود دارد بیان و تبیین گردد.

در قدیم و قرون وسطی کوشش علمای علم جغرافی فقط مصروف بود به تعیین هویت و شرح خصوصیات که باعث تمایز منطقه و سرزمینی از منطقه و سرزمین دیگر می‌شد و بیان ایشان در زمینه تبیین و توجیه این خصوصیات غالباً شگفت‌آور و حیرت‌انگیز بود. در نقشه‌کشی و نقشه‌برداری اولین کاری که می‌کردند این بود که فواصل را اندازه می‌گرفتند و سپس آنرا به روی نقشه می‌آوردند. در قرن بزرگ اکتشافات که در حقیقت از قرن شانزدهم شروع شد. مختصات و علائم مشخصه قطعات عالم با دقت بیشتری در نقشه‌ها معلوم گردید. رودخانه‌ها و سلسله‌کوهها باروش صحیح‌تری تعریف شد و دیگر کمتر جنبه حدس و تخمین داشت. در اواسط قرن هیجدهم نویسندگان جغرافیا پرداختند به توصیف مناطق مشابه از جهت اوضاع طبیعی و تعیین کشورهاییکه از نظر سازمان سیاسی و سرحدات نزدیک یکدیگر بود. همانطور که روز بروز اطلاعات بشر در باره جهان افزایش می‌یافت. مطالعات جغرافیائی هم بیشتر بر پایه و اساس علمی قرار می‌گرفت و در تبیین روابط امور و عارضات بیشتر قانون علیت و جبر علمی منظور نظر می‌بود.

جغرافیایار گاهی مادر علوم می‌نامند زیرا که هر رشته‌ای از رشته‌های دانش بشری که حوادث مورد مطالعه آن در سطح یا اعماق زمین قرار گرفته باشد بالآل به نحوی از انحاء مربوط می‌شود با جغرافیا و شناخت امور و خصوصیات فیزیکی و شیمیائی و انسانی که موجب حصول آن حوادث و چگونگی آنها در